

درآمدی بر آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی

از طریق مطالعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی

و اجتهاد در فقه امامیه

محمد رضا عرب بافرانی *

محمد رحیم عیوضی **

پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۰۲

دریافت مقاله: ۹۶/۰۴/۲۵

چکیده

نظام مدیریت اسلامی، مانند هر نظام مدیریتی دیگری، نیازمند آینده‌نگری و پرداختن به موضوع آینده است و تأکید دین مبین اسلام به آینده‌نگری نیز اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند. در عموم نظام‌های مدیریتی برای پرداختن به موضوع آینده از علم آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. به‌منظور استفاده از آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی، باید ابتدا مبانی این علم (از جمله روش‌شناسی آن) برای امکان‌سنجی آینده‌پژوهی اسلامی مورد مذاقه قرار گیرد. هدف این مقاله، اجرای بخشی از امکان‌سنجی آینده‌پژوهی اسلامی (در نظام مدیریت اسلامی) از طریق بررسی روش‌شناسی آینده‌پژوهی (از حیث الزامات روش‌شناسی) و مطالعه تطبیقی آن با اجتهاد در فقه امامیه است. به‌منظور پژوهش از روش‌های فراترکیب، مطالعه تطبیقی و پانل خبرگان استفاده، و در نهایت نتیجه‌گیری شد که اولاً روش‌شناسی اجتهاد می‌تواند بخش زیادی از الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی را (حتی بیش از دیگر پارادایمها) پاسخ گوید. در ثانی در مسیر تحقق آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی، حد مورد نیاز از تناسب و تناظر در لایه روش‌شناسی بین مطالعات آینده‌پژوهی و روش اجتهاد در مطالعات اسلامی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اسلامی، آینده‌پژوهی، روش‌شناسی آینده‌پژوهی، روش‌شناسی اجتهاد.

مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «طراحی چارچوب اثربخش روش‌شناسی در آینده‌پژوهی»

mabafrani@gmail.com

* دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

eivazi@ikiu.ac.ir

** استاد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

مقدمه

در هر نظام مدیریتی از جمله نظام مدیریت اسلامی، آینده‌نگری و پرداختن به آینده یکی از مهمترین مسائل است. این موضوع هم در حوزه‌های اکتشافی (آینده چه خواهد بود؟) و هم در حوزه‌های هنجاری (آینده چه باید باشد؛ آینده دلخواه را چگونه باید ساخت؟) خود را نمایان می‌سازد. دانش آینده‌نگری و آینده‌نگاری را آینده‌پژوهی می‌نامند و این نامی است که بر حوزه علمی مطالعات آینده قرار می‌دهند. برای آینده‌پژوهی تعاریف مختلفی ارائه می‌شود که به‌عنوان تعریف مختار و تقریباً جامع، می‌توان آینده‌پژوهی را علم و هنر کشف آینده‌های ممکن و محتمل و ساخت آینده‌های مطلوب و دلخواه دانست (فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲؛ الف؛ گلن و گوردون، ۱۳۹۳؛ پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۳؛ تقوی گیلانی، ۱۳۷۹؛ بل، ۱۳۹۲).

این تعریف به‌خوبی گویای دو ویژگی آینده‌پژوهی است: اول اینکه آینده‌پژوهی دانش اقدام است و برخلاف بسیاری از علوم مرسوم اجتماعی در دل خود با اقدام و تجویز نسبت استواری دارد. دوم اینکه آینده‌پژوهی بشدت ارزش‌مدار است و ارزشهای فردی و اجتماعی پژوهشگر در آن دخیل است (چراکه مطلوبیت یا دلخواه بودن آینده‌هایی که به‌دنبال ساخت آن هستیم بر ارزشهای ما مبتنی است).

بنابراین برای آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی، باید به سراغ علم آینده‌پژوهی (از نوع غربی یا بومی آن) رفت و تلاش کرد از روشها و فرایندهای آن در نظام مدیریت اسلامی استفاده کرد. البته با توجه به اینکه آینده‌پژوهی ارزش‌مدار، و به حوزه اجرا و اقدام نزدیک است در صورتی که بومی، و یا متناسب با ارزشهای اسلامی بازتعریف شود، خواهد توانست کارایی و اثربخشی بیشتری در جامعه داشته باشد؛ لذا این‌گونه جمع‌بندی می‌شود که مبانی آینده‌پژوهی به‌عنوان شرط لازم آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی باید از حیث نسبت و نزدیکی یا دوری با مبانی اسلامی مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد و نوعی مطالعه تطبیقی بین مبانی این رشته با مبانی اسلامی در لایه‌های مختلف صورت پذیرد که این مسئله مقدمه آینده‌پژوهی اسلامی نیز خواهد بود.

به‌رغم این اهمیت خاص به دلایل زیادی هنوز آینده‌پژوهی اسلامی در ابتدای راه قرار دارد و بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران در حال ارزیابی مقدمات نسبت آینده‌پژوهی و اسلام و راه‌های بومی کردن آینده‌پژوهی هستند. این مسئله دلایل زیادی دارد؛ از جمله:

- بدیع بودن دانش آینده‌پژوهی و اینکه عمر زیادی از آن نمی‌گذرد.
- شفاف نبودن مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی آینده‌پژوهی که اجازه بررسی عمیق و دقیق مبانی به منظور ایجاد قرابت با مبانی بومی نمی‌دهد.
- مشخص نبودن رویکردها یا راهبردهای بومی‌سازی آینده‌پژوهی
- کمبود ادبیات نظری و مطالعات عمیق در زمینه آینده‌پژوهی اسلامی و بومی (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۱)

از سوی دیگر به دلیل ماهیت فرارشته‌ای آینده‌پژوهی و نوپا بودن آن، بسیاری از روشها و شیوه‌های خود را از علوم مرسوم و رایج اجتماعی وام گرفته که در عمده موارد، این روشها بدون توجه به الزامات روش‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود اضافه شده است. به همین دلیل نوعی درهم‌ریختگی روش‌شناسانه در آینده‌پژوهی دیده می‌شود و عملاً چارچوب روش‌شناسی متقن و قابل اتکایی در آینده‌پژوهی وجود ندارد. علت این امر را در آنجا باید یافت که آینده‌پژوهی الزامات و ویژگیهای روش‌شناسی خاص خود را دارد؛ ویژگیهایی که مختص این رشته است و در نتیجه استفاده از روشهای دیگر در این رشته را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است. پیچیدگی این روش‌شناختی به حدی است که حتی پارادایمهای مرسوم در علوم اجتماعی براحتی امکان پاسخ به این حوزه علمی را ندارند؛ لذا در مجموع باید چنین گفت که این رشته با ضعفها و در هم ریختگی‌های روش‌شناسانه مختلفی روبه‌رو است و تا آن زمان که نتوان نسبت خود را با روش‌شناسی آینده‌پژوهی روشن کرد و چارچوبی برای این روش‌شناسی به کار برد، سخن گفتن از آینده‌پژوهی اسلامی و آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی گزارف و بیهوده است.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا دریچه‌ای جدید به موضوع «روش‌شناسی در آینده‌پژوهی» و در پی آن، «روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی» گشوده شود؛ بدین صورت که ابتدا الزامات و ویژگیهای روش‌شناسانه آینده‌پژوهی استخراج، و سپس ویژگیهای متناظر اجتهاد در فقه امامیه نیز استخراج می‌شود. با مقایسه و تطبیق این دو، تلاش می‌شود قرابت روش‌شناسی بین آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه صورت پذیرد. در صورت موفقیت در این امر از یک سو، امکان آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از دید روش‌شناسی تاحدی تأیید می‌شود (قابل دفاعتر می‌شود) و از سوی دیگر زمینه مطالعات عمیقتر آینده درباره روش‌شناسی آینده‌پژوهی از دید مطالعات اسلامی (و اجتهاد) فراهم می‌شود. شاید اجتهاد بتواند پاسخ بسیاری از نیازهای روش‌شناسانه آینده‌پژوهی را به

این رشته علمی عرضه ندارد.

اهداف این پژوهش به شرح ذیل قابل بیان است:

هدف اصلی: بررسی امکان آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه تطبیقی

الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی و ویژگیهای روش‌شناسی اجتهاد در فقه امامیه

هدف فرعی ۱: شناسایی الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی

هدف فرعی ۲: شناسایی ویژگیهای روش اجتهاد (متناظر با الزامات آینده‌پژوهی)

پرسش اصلی پژوهش و پرسشهای فرعی به شرح ذیل است:

پرسش اصلی: آیا بین روش‌شناسی آینده‌پژوهی و روش‌شناسی اجتهاد در فقه امامیه (به‌عنوان

روش استنباط احکام شرعی) نسبت و ارتباط استواری قابل کشف است؟

پرسش فرعی ۱: الزامات روش‌شناسانه آینده‌پژوهی چیست؟

پرسش فرعی ۲: ویژگیهای روش‌شناسی اجتهاد (متناظر با الزامات یاد شده) چیست؟

پیش از ادامه، دو توضیح مهم قابل ذکر است:

توضیح مهم ۱: هدف پژوهش «برقراری قرابت روش‌شناسی بین آینده‌پژوهی و اجتهاد» نیست، بلکه هدف صرفاً «بررسی و ارزیابی امکان قرابت روش‌شناسی بین آینده‌پژوهی و اجتهاد» است. به این دلیل که ویژگیهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد تاکنون به‌طور کامل و جداگانه و در عین حال قابل تناظر مشخص نشده است، این مقاله گام نخست و فتح باب پژوهش درباره قرابت روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد خواهد بود؛ به دیگر سخن نوآوری اصلی این مقاله شناسایی و مشخص کردن ویژگیهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی (برای اولین بار در تاریخ این رشته به صورت تقریباً جامع) و نیز استخراج ویژگیهای متناظر در اجتهاد و سپس مقایسه تطبیقی این دو است.

توضیح مهم ۲: در سخن از آینده‌پژوهی اسلامی، باید بین مباحث آینده‌پژوهانه و خبر از غیب، تفاوت قائل شد. برخی موضوعات در اسلام هست که قرآن اجازه ورود به آنها را نمی‌دهد و حتی امکان آن را نیز از بشر سلب کرده است (مانند غیبگویی، سعادت و شقاوت) که موضوعات فقهی نیست و قابل بررسی توسط اجتهاد نیز نیست و این مباحث، منظور و مقصود مقاله نیست؛ به‌عنوان مثال در آینده‌پژوهی اسلامی نمی‌توان مشخص کرد کسی در آینده به بهشت خواهد رفت یا خیر و سعادت و شقاوت هر فرد در آینده چه خواهد بود و یا نمی‌توان درباره اخبار غیبی مانند ساعت قیامت سخن گفت. بدون شک آینده‌پژوهی در این موضوعات ممکن و جایز نیست؛ به‌عنوان مثال

هیچ‌گاه امکان و اجازه ورود به مباحث غیب و غیبگویی وجود ندارد؛ چراکه قرآن می‌فرماید «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»: کلیدهای غیب نزد اوست و جز او کسی آن را نمی‌داند، (انعام/۵۹) و یا « قُلْ لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ»: بگو من اختیار سود و زیان خویش ندارم جز آنچه خدا خواسته است. اگر غیب می‌دانستم سود بسیار می‌بردم و بدی به من نمی‌رسید. من جز بیم‌رسان و نویدبخش برای گروهی که ایمان می‌آورند نیستم (اعراف/۱۸۸).

این موضوعات به هیچ وجه مخاطب آینده‌پژوهی اسلامی نیست؛ بلکه هنگامی که ما از آینده‌پژوهی و اسلام یا استفاده از اجتهاد برای روش‌شناسی آینده‌پژوهی سخن می‌گوییم، صرفاً منظور موضوعاتی است که قرآن اجازه ورود به آن را داده یا منعی برای آنها نگذاشته است. موضوعاتی که روشی مانند اجتهاد نیز امکان ورود و بررسی و ارزیابی آنها را دارد (مانند نشانه‌های ظهور، جامعه مهدوی و ویژگی‌های آن، فقه آینده‌نگر و مسائل آینده که در فقه قابل بررسی است). مقصود این مقاله نیز صرفاً این دست از موضوعات قابل بررسی و مجاز از سوی اسلام است و به هیچ وجه «غیب» و موضوعات مشابه آن مدنظر این مقاله نیست.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه موضوع اصلی این مقاله روش‌شناسی آینده‌پژوهی است، تلاش می‌شود مقالاتی که به حوزه روش‌شناسی آینده‌پژوهی پرداخته‌اند برشمرده شود. البته این حوزه بسیار ضعیف و ناقص است؛ چرا که عمده مقالات در این زمینه به بیان ویژگی‌های روشها پرداخته‌اند نه ویژگی‌های روش‌شناسی. با این حال تلاش می‌شود ادبیات نظری و پیشینه در حوزه روش‌شناسی آینده‌پژوهی (نه روش) و نیز آینده‌پژوهی در مدیریت اسلامی ارائه شود:

علی اکبر عظیمی در مقاله‌ای به بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان‌بینی اسلامی می‌پردازد. وی نشان داده است که آینده‌پژوهی جایگاه و اصالت ویژه‌ای در آیات و روایات دارد و با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی می‌توان طرح‌های نسل‌نوین آینده‌نگاری را فراهم کرد که وی آن را نسل پنجم آینده‌نگاری می‌نامد (عظیمی، ۱۳۸۸).

مطهرنیا در مقاله دیگری تلاش می‌کند رابطه دین و علم را از دید آینده‌پژوهی مورد نقد قرار

دهد. وی مباحثی مانند سنتهای الهی، قوانین خداوندی در مسیر حیات دینی، قانون علیّت و اسباب و مسببات را بررسی، و نسبت آنها را با آینده‌پژوهی مرسوم بررسی کرده است. در انتها به این جمع‌بندی می‌رسد که آینده‌پژوهی به خودی خود، اختلاف ماهوی و اساسی با دین ندارد و ادبیات دینی مانند سنتهای الهی در آینده‌پژوهی قابل بررسی است (مطهرنیا، ۱۳۹۲). علی مرحمتی در زمینه روش‌شناسی آینده‌پژوهی، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به ارائه چارچوبی برای آینده‌پژوهی می‌پردازد. در چارچوب پیشنهادی، محیط داخلی و خارجی سازمان نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در ابتدا با ترکیب چارچوبهای عام آینده‌پژوهی، گامهای مهمی که در اجرای فرایند آینده‌نگاری نقش دارد شناسایی، و سپس با استفاده از نظر کارشناسان به اولویت‌بندی این گامها پرداخته شده و در انتها تعدادی از عوامل، که طبق نظر کارشناسان اهمیت کمتری داشته، حذف شده است. چارچوب نهایی بر اساس ترکیب چارچوبهای عام آینده‌پژوهی و نظر کارشناسان به دست آمده است. برخی ویژگیهای مشخص شده توسط وی، می‌تواند در تدوین ویژگیهای آینده‌پژوهی کمک کند. (مرحمتی، ۱۳۹۱). حاجیانی در مقاله‌ای تلاش می‌کند به ارزیابی روشهای آینده‌پژوهی بپردازد. نویسنده تلاش کرده است به گسترش مباحث روش‌شناختی در حوزه مطالعات آینده‌پژوهی به‌عنوان مسئله‌ای اساسی اشاره کند. مسئله اصلی مقاله بررسی ضوابط ارزیابی محصولات و یافته‌های تحقیقات آینده‌نگری و نیز ملاکهای ارزیابی و تمیز شیوه‌های مختلف رایج در مطالعات آینده است تا قبل از آن امکان تشخیص توانمندیهای ذاتی هر کدام از شیوه‌های رایج و کمبود هر کدام فراهم آید (حاجیانی، ۱۳۹۰).

تامس گاسپر و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «مسائل اساسی بازنگری روش‌شناسی آینده‌پژوهی» تلاش کردند مهمترین چالش پیش روی بازبینی دستگاه روش‌شناسی در آینده‌پژوهی و ویژگیهای مهم روش در آینده‌پژوهی را برشمارند. تحلیل گاسپر به این نتیجه رسید که بازنگری روش‌شناختی باید به شکل در هم تنیده‌ای همزمان با بازنگری علم انجام شود (گاسپر، ۲۰۰۲). فولر و همکارانش در سال ۲۰۰۷ در مقاله‌ای تلاش کردند در زمینه رابطه دیدگاه معرفت‌شناسی رایج و روش‌شناسی آینده‌پژوهی بحث کنند و به این منظور از بر ساخته‌های جامعه استفاده کرده‌اند. آنان در نهایت نشان دادند که بر ساخته‌های اجتماعی، می‌تواند بر ویژگیهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی مانند زمان و ارزشها تأثیر مستقیمی داشته باشد. آنان جمع‌بندی می‌کنند که آینده‌پژوهی از یک سو

تحت تأثیر برساخته‌های جامعه و از سوی دیگر شکل‌دهنده برساخته‌ها است. از دید روش‌شناسی، پروژه‌های آینده‌پژوهی باید به طبیعت برساخته‌های اجتماعی حاکم بر فرایند و خروجی آنان اعتراف کند (فولر، ۲۰۰۷). روی آرما با هدف گشایش مسیرهای جدیدی برای روش‌شناسی پژوهش آینده‌پژوهی مقاله‌ای تدوین کرده است. تأکید بر معیارهای اعتبارسنجی و کیفیت در آینده‌پژوهی و ارائه معیارهایی مانند امکان‌پذیری، تکرارپذیری، صراحت ارزشها و عوامل مؤثر از جمله نکات مهم پژوهش وی است. البته آرما به کاربست این معیارها در روشها اشاره‌ای نکرده و صرفاً تلاش کرده است با ارائه و تشریح این چند معیار، زمینه فعالیت دیگر آینده‌پژوهان و روش‌شناسان را در این حوزه فعال سازد که با توجه به قدیمی‌بودن پژوهش، توجه پذیر است (آرما، ۱۹۹۱).

لاورنس در سرمقاله نشریه فیوچرز^۱ در سال ۲۰۱۴ تلاش می‌کند ویژگی بین‌رشته‌ای و تأثیر آن در حوزه‌های روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و شیوه‌های بین‌رشته‌های گوناگون علمی و نیز رویکردهای جدید آنان را بیان و مرور کند. نویسنده نتیجه گرفته است که در آینده تأثیرات بین‌رشته‌ای بشدت در عرصه‌های گوناگون علوم گسترش می‌یابد و تأثیرات عمیقی بر جای خواهد گذاشت (لاورنس، ۲۰۱۴). جروم کلینتون گلن و تئودور گوردون در کتاب «دانشنامه بزرگ روشهای آینده‌پژوهی» به معرفی روشهای آینده‌پژوهی و شیوه‌های مورد استفاده در این رشته پرداخته‌اند. آنان دسته‌بندی‌هایی در زمینه روشهای آینده‌پژوهی ارائه کرده‌اند. آنان هیچ‌گونه نگاه انتقادی ندارد و کتاب آنها صرفاً به‌عنوان دستنامه‌ای در تلاش برای معرفی روشهای گوناگون مورد استفاده در آینده‌پژوهی است. برای هر روش ضمن معرفی به ارائه موارد استفاده و جایگاه روش نیز مبادرت شده است (گلن، ۱۳۹۴).

در نهایت، یکی از قویترین پژوهشها در حوزه روش‌شناسی آینده‌پژوهی، توسط آقای وروس صورت گرفته است. وی پارادایمهای حاکم بر روشهای آینده‌پژوهی را در قالب جدول ذیل ارائه می‌کند که به گفته وی مبنای مطالعات خود را گوبا و لینکولن (۲۰۰۲) قرار داده است (وروس، ۲۰۰۸). از این پژوهش در ارزیابی ویژگیهای پارادایمهای مختلف نسبت به آینده‌پژوهی بهره برده شده است.

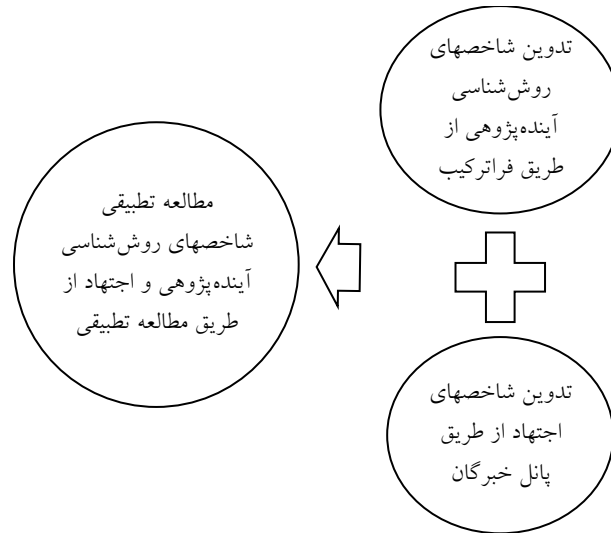
جدول ۱: پارادایمهای حاکم بر روشهای آینده پژوهی (اقتباس از وروس، ۲۰۰۸)

روشهای آینده پژوهی	اثبات گرایی	پسا اثبات گرایی	سنجش گرایی	برساخت گرایی	مشارکتی
الگوسازی عامل	*				
تحلیل لایه‌ای علتها			*		
تحلیل تأثیرات متقابل	*				
الگوهای تصمیم‌سازی		*			
دلفی		*			
الگوسازی آماری	*				
روشهای مشارکتی					*
آینده‌های شخصی				*	
بازار پیش‌بینی		*			
پیش‌فرضها				*	
ره‌نگاشت				*	
تحلیل جایگزینی	*				
متن‌کاوی	*				
تحلیل تأثیرات روند	*				
چشم‌اندازی				*	

در مجموع نتیجه‌گیری می‌شود که حوزه روش‌شناسی آینده‌پژوهی دچار ضعف مفرط ادبیات نظری است. این امر در داخل کشور دو چندان می‌شود. پژوهشگر به‌رغم جستجوی بسیار نتوانست مطالب ارزشمند و قابل توجهی درباره نسبت روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد را بیابد و به همین دلیل به مرور ادبیات نظری روش‌شناسی آینده‌پژوهی اکتفا شد.

روش پژوهش

این پژوهش سه بخش کلی دارد که برای هر بخش از روش جداگانه‌ای استفاده شده است. چارچوب مفهومی روش به صورت نمودار ۱ بوده است:



نمودار ۱: چارچوب مفهومی روش حاکم بر این پژوهش

روش مورد استفاده در بخش اول، فراترکیب با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده است. روش فراترکیب را فراتحلیل کیفی نیز می‌نامند. این روش، تحلیل تفسیری است که از یافته‌های کیفی پژوهشهای پیشین به‌عنوان بلوکهای ساختمانی برای دستیابی به درک عمیقتری از پدیده خاص استفاده می‌شود. در واقع یک به یک پژوهشهای پیشین را در کنار یکدیگر می‌چیند و مانند قطعات پازلی تلاش می‌کند تا خروجی نهایی را به دست آورد (نوبل و هایر، ۱۹۸۸). روسو و ساندوسکی (۲۰۰۷) روشی را برای فراترکیب معرفی می‌کنند که خلاصه آن به شرح ذیل است:

- تنظیم سؤال پژوهش: سؤال این پژوهش (در بخش فراترکیب) عبارت است از: "شاخصها (و یا الزامات) روش‌شناسی آینده‌پژوهی چیست؟"

- مرور ادبیات، انتخاب متون و استخراج مطالب از متون: در این بخش نیز ادبیات مختلف روش‌شناسی در آینده‌پژوهی مورد مطالعه قرار گرفت و فیشهای مربوط استخراج شد؛ بدین منظور مطالعه کتابخانه‌ای و جستجوی نشریات و نویسندگان و کلیدواژگان خاص مدنظر قرار گرفت.

- تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی و خروجی: در آخرین بخش، تلاش می‌شود از اطلاعات جمع‌آوری شده، خروجی مد نظر استخراج شود که در این پژوهش شاخصهای

روش‌شناسی آینده‌پژوهی از فراترکیب استخراج گردید.

این نکته لازم به توضیح است، درباره الزامات روش‌شناسی، منظور از الزامات، بیان نیازمندیها یا ویژگیهای خاص در روش آینده‌پژوهی است که برخی (یا بیشتر) از آنها صرفاً ویژه آینده‌پژوهی است و به این دلیل روش‌شناسی آینده‌پژوهی را نسبت به دیگر دانشهای مرسوم، متفاوت می‌کند. در دومین مرحله به منظور استخراج ویژگیهای اجتهاد، پانل خبرگانی انجام شد. روش پانل به منظور مباحثات عمیقتر میان خبرگان در حوزه‌های مورد بررسی، استفاده می‌شود. در این پژوهش طرح اولیه موضوع از سوی حجت الاسلام و المسلمین سید علی هاشمی در پانلی با حضور اعضای ذیل و با مدیریت وی صورت گرفت که پس از ارزیابی و بیان نظر خبرگان، اصلاحات نهایی انجام شد.^(۱) هم‌چنین در انتها به منظور اعتبارسنجی دوباره، تمام مقاله (از جمله این بخش) به رؤیت حجت الاسلام و المسلمین میرزایی طلبه درس خارج آیت‌الله خامنه‌ای مدظله رسید و مورد تأیید ایشان نیز واقع شد.

جدول ۲: خبرگان مورد استفاده در بخش اجتهاد این پژوهش

خبره	سمت
حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید علی هاشمی	دکتری فلسفه علم، طلبه درس خارج آیات سبحانی، اراکی، عابدی و مددی
حجت الاسلام و المسلمین سیدرضا تقوی	طلبه درس خارج آیات جعفری و مددی
حجت الاسلام و المسلمین مهدی زارعی	طلبه درس خارج آیات عظام شب زنده‌دار، عابدی، سیفی، مدرسی و مددی
حجت الاسلام و المسلمین عباس روزبهانی	طلبه درس خارج آیات سبحانی، عابدی و مددی
حجت الاسلام و المسلمین اسلام رجیبی	طلبه درس خارج آیات خاتمی و اراکی
حجت الاسلام و المسلمین جعفر بحرینی	طلبه درس خارج آیات شاهرودی، مکارم، شب زنده‌دار و سبحانی
حجت الاسلام و المسلمین سید محمدرضا میروسی	طلبه درس خارج آیات سبحانی و شب زنده‌دار
حجت الاسلام و المسلمین حاجی کاظم	طلبه درس خارج آیات فاضل لنکرانی و اعرافی

روش سوم مورد استفاده در پژوهش مطالعه تطبیقی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با

خبرگان است. فرامرز قراملکی مراحل مطالعه تطبیقی را چنین برمی‌شمرد (قراملکی، ۱۳۸۶):

جدول ۳: مراحل مطالعه تطبیقی در این پژوهش

عنوان گام	توضیح
گام اول: تدوین مسئله	مسئله پژوهش پیش از این بیان شد و بر اساس توصیف قراملکی، مسئله پژوهش از نوع درجه دوم است؛ بدین معنا که هدف پژوهش مقایسه روش‌شناسانه آینده‌پژوهی و مطالعات فقهی است نه استخراج روش‌شناسی جدیدی حاصل از این مقایسه؛ بنابراین مسئله پژوهش از نوع درجه دوم خواهد بود.
گام دوم: تعیین دامنه تحقیق	با عنایت به مسئله تعریف شده، دامنه پژوهش مرور ادبیات نظری و منابع کتابخانه‌ای صرفاً در حوزه الزامات و ویژگیهای روش‌شناسی متناظر در آینده‌پژوهی و مطالعات اسلامی است؛ به عبارت دیگر چون مسئله از نوع درجه دوم است به مطالعه عمیق و کامل تمامی ادبیات نظری روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد نیاز نیست و صرفاً بررسی ویژگیهای متناظر یا مرتبط کفایت می‌کند.
گام سوم: تدوین فرضیه	فرضیه پژوهش بدین صورت است که «روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه از حیث مختصات و ویژگیهای روش‌شناسی شباهتهایی دارد که در نتیجه آن اجتهاد می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازهای روش‌شناسی در آینده‌پژوهی باشد».
گام چهارم: ملاک تطبیق پذیری	همان‌گونه که بیان شد، ملاک تطبیق‌پذیری در این پژوهش ویژگیهای روش‌شناسی است. در واقع نیازها یا الزاماتی است که آینده‌پژوهی در روش‌شناسی به آنها نیاز دارد و عمده این ویژگیها منبع تفاوت آینده‌پژوهی با علوم مرسوم اجتماعی است.
گام پنجم: توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق	این گام با عنایت به رویکرد پژوهش تلاش می‌کند در روش‌شناسی اجتهاد به جستجوی پاسخ نیازهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی بپردازد و بررسی کند که آیا اجتهاد می‌تواند پاسخگوی نیازهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی باشد.

بنابراین جمع‌بندی می‌شود که گامهای پژوهش عبارت است از:

گام اول: شناسایی الزامات کلی روش‌شناسی آینده‌پژوهی (با استفاده از فراترکیب در منابع

کتابخانه‌ای)

گام دوم: شناسایی برخی ویژگیهای کلیدی روش اجتهاد در فقه امامیه ناظر بر الزامات

روش‌شناسی آینده‌پژوهی (با استفاده از پانل خبرگان)

گام سوم: ایجاد تناظر یک به یک و تلاش برای پاسخگویی به الزامات آینده‌پژوهی با استفاده

از روش‌شناسی اجتهاد (با استفاده از مطالعه تطبیقی)

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های پژوهش ارائه و سپس تحلیل و بررسی می‌شود. ابتدا الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی و سپس ویژگیهای اجتهاد در فقه امامیه بیان می‌شود و در نهایت کار مقایسه تطبیقی آنها صورت می‌پذیرد.

۱. الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی: صاحب‌نظران مختلف آینده‌پژوهی، برخی از ویژگیهای خاص روش آینده‌پژوهی را برشمرده‌اند. با توجه به اینکه باید در این پژوهش به این ویژگیها نگاهی جامع افکنده شود، تلاش می‌شود نظر ایشان در کنار یکدیگر و به‌عنوان مکمل به صورت نگاهی جامع به ویژگیهای روش آینده‌پژوهی ارائه گردد.

این ویژگیها و الزامات روش‌شناختی (با استفاده از نظر صاحب‌نظران مختلف) ابتدا در قالب

جدول ذیل توضیح، و سپس به صورت خلاصه شرح داده می‌شود:

جدول ۴: ویژگیها و الزامات روش‌شناختی آینده‌پژوهی

ردیف	ویژگیها و الزامات روش‌شناختی	منبع استناد
۱	روش در آینده‌پژوهی نیازمند سیالیت است.	وندل بل، ۱۳۹۲
۲	در آینده‌پژوهی باید از روشهای مختلف (به‌جای یک روش) استفاده کرد.	حاجیانی، ۱۳۹۰؛ وندل بل، ۱۳۹۲
۳	روش آینده‌پژوهی نیازمند کل‌گرایی (به‌جای کاهش‌گرایی) است.	مقاله خوزه راموس در کتاب ترجمه‌شده منزوی ۱۳۹۰؛ لطیفی، ۱۳۸۷؛ فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲؛ عباسی ۱۳۸۵ به نقل فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲ الف
۴	روش آینده‌پژوهی باید ترکیب ذهنیت و عینیت را در کنار هم ببیند.	وندل بل، ۱۳۹۲؛ همپل، ۱۹۶۳؛ آلیچیکا، ۲۰۰۳؛ عباسی، ۱۳۸۵ به نقل از فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲ الف
۵	روش آینده‌پژوهی باید موقعیت‌های تاریخی را هم بررسی کند.	حاجیانی، ۱۳۹۰
۶	آینده‌پژوهی در روش نیازمند رویکرد انتقادی است.	پورعزت، ۱۳۸۷
۷	آینده‌پژوهی نسبت استواری با اخلاق دارد.	وندل بل، ۱۳۹۲
۸	روشهای آینده‌پژوهی باید توصیفی و تجویزی باشد.	فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲
۹	آینده‌پژوهی باید بین رشته‌ای باشد.	وندل بل ۱۳۹۲؛ حاجیانی ۱۳۹۰

الف) روش در آینده‌پژوهی بیشتر از دیگر علوم، نیازمند انعطاف و سیالیت است.

در تعریف آینده‌پژوهی از واژه «هنر» استفاده می‌شود؛ چراکه بسیاری از اندیشمندان همچنان درباره علم بودن یا هنر بودن آینده‌پژوهی اختلاف نظر دارند (بل، ۱۳۹۲). یکی از علل استفاده از

واژه هنر این است که پژوهشگر آینده‌پژوه، هنگام فرایند پژوهش نیازمند ابتکار، خلاقیت و هنرمندی خاصی است تا بتواند ترکیبی از روشها را انتخاب، و حتی بخشهای زیادی از روشها را در هنگام فرایند پژوهش دستکاری کند. این تلاش به منظور دستیابی به حداکثر روایی ممکن در روش آینده‌پژوهی و نتایج صورت می‌گیرد؛ لذا یکی از نیازمندیهای مهم روش‌شناسی آینده‌پژوهی، نیاز به سیالیت و انعطاف در روش پژوهش (هنگام طراحی روش، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و نتیجه‌گیری) است.

ب) در پژوهش آینده‌پژوهی نباید به یک روش صرف اعتماد کرد؛ بلکه باید به هر منبع معرفتی برای افزایش روایی دست یازید.

در طراحی پژوهش آینده‌پژوهی، عموماً باید بیش از یک روش را به کار برد. پژوهشگر باید بتواند به روشهای مختلف دست بیازد تا از این طریق، اعتماد به نتایج خود را بیشتر کند. در واقع به دلیل نبود قطعیت و نیز به دلیل محال‌بودن معرفت از آینده با روشهای علمی مرسوم، آینده‌پژوه باید از منابع معرفتی گوناگون (که بعضاً عجیب نیز می‌نمایند) استفاده کند و برای هر منبع، روش ویژه‌ای را به منظور جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات به کار گیرد؛ لذا در عمل بسیاری از پژوهشهای این حوزه ترکیبی پیچیده از روشها را دارد (بل، ۱۳۹۲).

ج) آینده‌پژوهی در روش، نیازمند کل‌گرایی (به جای کاهش‌گرایی) است.

آینده‌پژوهی را علم با رویکرد کل‌گرا می‌دانند. در واقع به دلیل امکان تغییر تأثیرات عوامل مؤثر بر موضوع در آینده (یعنی مهم شدن برخی عوامل که امروز اهمیت کمی دارد)، محقق آینده‌پژوه باید تمامی ابعاد موضوع خود و مسائل مرتبط با آن را یکایک بررسی کند و در نظر بگیرد؛ لذا یکی از الزامات آینده‌پژوهی، کل‌گرایی آن از حیث روش است (لطیفی، ۱۳۸۷). آینده‌پژوهی در ابتدا، علم اتصال اجزا برای رسیدن به کل بوده است؛ اما امروزه با در نظر گرفتن کلیت مسائل در پی رسیدن به راهکارهای اجرایی در سیاستگذاری است و بیش از پیش کل‌گرایی در آن، خود را نشان می‌دهد (فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲ ب).

ترکیبهای بدیل زیادی از آینده‌پژوهی و تفکر یکپارچه و کل‌نگر وجود دارد. مثالهای زیادی از کل‌نگری در آینده‌پژوهی وجود دارد که از جمله آن مفهوم لایه‌ای استفاده از روشهای آینده‌پژوهی، تحلیل لایه‌ای علتها، تحلیل تاریخ‌نگاری و یادگیری از اقدام پیش‌پنداری اشاره کرد. مقاله حرکت به سمت کل‌نگری در تحقیق آینده‌پژوهی نوشته خوزه راموس (منزوی، ۱۳۹۰).

د) معرفت از آینده، نیازمند بررسی ذهنیت به جای عینیت (حدسیات قابل دفاع یا غیر قابل ابطال) است.

وندل بل در کتاب خود از عبارت «معرفت جانشین از آینده» استفاده می‌کند و می‌گوید «اصولا معرفت از آینده با استفاده از روشهای علمی ممکن نیست. در نتیجه باید به دنبال معرفت جانشین از آینده باشیم» (وندل بل، ۱۳۹۲). در واقع آینده‌پژوهی نمی‌تواند به دنبال معرفت جانشین از آوردن معرفتی از آینده باشد بلکه بخش عمده‌ای از این معرفت با ابتنا بر ذهنیت (حدسیات خبرگان یا تصاویر آینده‌سازان) به دست می‌آید (فاتح و دیگران، ۱۳۹۲ الف)؛ به عبارت دیگر، آینده‌پژوه در هنگام پژوهش می‌داند که در تلاش برای کسب معرفت از روشهایی است که منطقا امکان حصول یقینی (یا نزدیک به یقینی) این معرفت وجود ندارد؛ در نتیجه وی باید بر حدسیات قابل دفاع یا غیر قابل ابطالی تکیه کند که همواره با حدی از عدم قطعیت نیز همراه است (همپل، ۱۹۶۳)؛ هم چنین آلیجیکا (۲۰۰۳) عنوان می‌کند که "در حوزه پیش‌بینی، حتی بهترین نظریه‌های تأیید شده نیز چیزی بیش از برآوردهای معقول و موقتی از واقعیت نیست" (آلیجیکا، ۲۰۰۳).

ه) در روش آینده‌پژوهی، موقعیت تاریخی نقشی ویژه دارد و نیازمند بررسی همزمان گذشته و حال موضوع به منظور بیان آینده آن هستیم.

آینده‌پژوه نمی‌تواند بدون توجه به گذشته و حال موضوع درباره آینده صحبت کند. در واقع یکی از بخشهای لازم در هر پژوهش آینده‌پژوهی، مطالعه روندی گذشته و حال موضوع است. توجه به موقعیت تاریخی یکی از ویژگیهایی است که صرفا در آینده‌پژوهی وجود دارد و در رشته‌های دیگر علمی نمونه‌های آن کمتر دیده می‌شود.

و) آینده‌پژوهی نیازمند رویکردی انتقادی نسبت به گزاره‌های پذیرفته شده ذهنی است. در آینده‌پژوهی، رویکردهای مختلف وجود دارد که برخی بر ادامه روندهای عینی موجود، برخی بر تصاویر ذهنی جامعه و بخش مهمی بر نقد وضع موجود مبتنی است. در واقع یکی از سه رویکرد اصلی روش‌شناسی در آینده‌پژوهی، رویکرد انتقادی در رویارویی با روندها و انگاره‌های پذیرفته شده جامعه است تا از این طریق آنان را به سمت آینده مطلوب هدایت کنند.

آینده‌پژوهی از دید روش‌شناسی، رویکرد انتقادی عمیقتری در درون خود دارد. آینده‌پژوه همواره باید از حصارها یا انگاره‌های ذهنی گریزان باشد؛ به عبارتی باید حصارهای شیشه‌ای معرفت را، که در ذهن هر پژوهشگر (و بلکه هر انسان) نسبت به مفروضات پذیرفته شده محیطی اش دارد،

بشکند و تلاش کند ورای این حصارها و چارچوبها، تمامی حالات و احتمالات ممکن را درباره آینده بررسی کند (پورعزت، ۱۳۸۷)؛ این‌گونه است که آینده‌پژوهی در درون خود رویکرد روش‌شناسانه انتقادی و نقادانه‌ای دارد.

ز) آینده‌پژوهی با اخلاق نسبت استواری دارد.

علم آینده یکی از نافعترین علوم است. دانش از آینده قدرت‌آفرین است و کسی که صاحب این دانش باشد، می‌تواند بر تصمیمات و سیاستهای اطرافیان تأثیر زیادی بگذارد؛ به عبارت دیگر دو موضوع اخلاقی بسیار ویژه در روش آینده‌پژوهی خود را نمایان می‌کند: - اول اینکه دانش آینده قدرت‌آفرین است و اخلاق، ضامن عدم سوء استفاده از این دانش است.

- دوم و مهمتر اینکه آینده‌پژوه می‌تواند به‌جای کشف و نشان دادن آینده به تلقین و تحمیل آینده‌های خاصی بپردازد که خود در نظر دارد. در این موضوع نیز اخلاق، ضامن امانتداری آینده‌پژوه در مطالعه و ارائه نتایج است (بل، ۱۳۹۲).

ح) به دلیل ماهیت توصیفی - تجویزی آینده‌پژوهی، روشها باید بتواند تجویز مواردی از اقدام عملیاتی را در بر داشته باشد.

آینده‌پژوهی دانش اقدام است (فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲ الف)؛ در نتیجه همانند رشته «مدیریت» باید با عملیات و اجرا ارتباط استواری داشته باشد. در واقع انتظار زیادی از آینده‌پژوهان برای دادن نسخه‌های تجویزی می‌رود؛ ضمن اینکه بخشی از روشهای آینده‌پژوهی به دنبال ساخت آینده و از جنس و رویکرد ایجابی است.

با این تفصیل، پژوهشگر آینده‌پژوه باید بتواند ضمن پژوهشهای توصیفی مرسوم، رویکرد تجویزی را نیز به کار ببرد و آن را سامانمند و روشمند در پژوهش خود استفاده کند. در نتیجه ماهیت روش تحقیق در آینده‌پژوهی (در بسیاری از پژوهشها) باید ترکیبی از توصیف و تجویز باشد.

ط) پژوهش آینده‌پژوهی باید به صورت گروه‌های بین رشته‌ای و کارشناسان متخصص هر حوزه علمی صورت پذیرد.

یکی دیگر از الزامات بسیار مهم روش‌شناسی در آینده‌پژوهی، لزوم پژوهش به صورت بین رشته‌ای است. نقش اصلی آینده‌پژوه در فرایند پژوهشی، طراحی و انتخاب روش مناسب و

مدیریت روش تا پایان پژوهش است و در این فرایند باید بخش اصلی محتوایی و تخصصی از طریق متخصصان مرتبط با آن حوزه موضوعی به دست آید؛ لذا پژوهشهای آینده پژوهی عموماً باید از طریق گروه‌های بین رشته‌ای، و با تکیه بر حوزه‌های علمی تخصصی هر موضوع صورت پذیرد. این پرسش طرح می‌شود که آیا این ویژگیها و الزامات روش‌شناسی از طریق سه پارادایم معروف روش‌شناسی علوم اجتماعی (عینی‌گرا، ذهنی‌گرا و انتقادی) قابل پاسخگویی است؛ آیا هر یک از این سه پارادایم توان احاطه روش‌شناسی بر ویژگیهای مورد نیاز آینده‌پژوهی را دارد؟ بدین منظور جدول ذیل ارائه می‌شود. این جدول در آینده با بررسی ویژگیهای اجتهاد در فقه امامیه کامل می‌شود و می‌توان ظرفیتهای اجتهاد را بخوبی ارزیابی کرد.

جدول ۵: توانایی پارادایمهای مرسوم برای احاطه روش‌شناسی بر ویژگیهای آینده‌پژوهی

ویژگی	عینی‌گرا	ذهنی‌گرا	انتقادی
نیاز به سیالیت و انعطاف در روش	ناتوان	توانا	توانا
نیاز به استفاده از چند روش و هر منبع معرفتی قابل اتکا و در دسترس	ناتوان	ناتوان	ناتوان
نیاز به کل‌گرایی (به جای کاهش‌گرایی)	توانا	ناتوان	توانا
نیاز به بررسی ذهنیت به جای عینیت (اثبات یا ابطال حدسیات)	ناتوان	توانا	توانا
نیاز به توجه به موقعیت تاریخی و مطالعات روندی گذشته و حال	توانا	توانا	توانا
نیازمند رویکردی انتقادی نسبت به گزاره‌های پذیرفته‌شده ذهنی	ناتوان	ناتوان	توانا
نسبت استوار با اخلاق	ناتوان	توانا	توانا
نیاز به تجویز و اقدام عملیاتی	ناتوان	ناتوان	توانا
نیاز به گروه‌های بین رشته‌ای و کارشناسان متخصص هر حوزه علمی در پژوهش	ناتوان	ناتوان	ناتوان

حال که ویژگیها یا الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی مطالعه شد به سراغ ویژگیهای اجتهاد در فقه امامیه می‌رویم و تلاش می‌کنیم برخی ویژگیهایی بیان شود که از نظر موضوعی با الزامات متناسب است. با توجه به روش پژوهش (مطالعه تطبیقی) در تدوین ویژگیهای اجتهاد در فقه امامیه باید عمده مختصاتی استخراج و مشخص شود که به گونه‌ای با آینده‌پژوهی متناسب است.

۲. ویژگیهای اجتهاد در فقه امامیه^(۲)

در فقه شیعه منابع استنباط احکام عبارت است از: قرآن، سنت، عقل و اجماع. شرایط برای فقه شیعه در دوران غیبت به گونه‌ای است که باعث می‌شود «عقل‌گرایی» و منبع «عقل» نقش بیشتری در

فرایند استنباط احکام پیدا کند. در واقع فرایند «اجتهاد» در فقه شیعه به گونه‌ای خاص از «عقل‌ورزی» اشاره دارد که فقها و علمای شیعه می‌توانند براساس آن پاسخگویی احکام شرعی جدید یا همان «مسائل مستحدثه» باشند (برزنونی، ۱۳۸۰).

ویژگیهای اساسی اجتهاد در فقه امامیه از دید روش‌شناسی که به گونه‌ای دارای تناظر یک به یک با الزامات آینده‌پژوهی باشد، عبارت است از:

الف) توجه به موقعیت تاریخی - اجتماعی: مهمترین ویژگی «اجتهاد بایسته» در فقه امامیه، که بسیاری از ویژگیهای دیگر به آن وابسته است، توجه به موقعیت تاریخی - اجتماعی - انضمامی احکام است. در واقع در فقه شیعه احکام همواره با توجه به موقعیت آن زمان و مکان صادر شده است و این امر باعث می‌شود که برخی از صفات ظاهری و یا باطنی موضوع احکام، که مقوم حکم و یا به عبارتی در حکم اثرگذار است با تحولات و دگرگونیهای تاریخی - اجتماعی تغییر کند و در پی آن باعث عوض شدن حکم شود. از طرفی حضرات معصومین همواره ما را به آگاهی و شناخت از وضعیت و اقتضائات حاکم بر جامعه دعوت کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال حدیث زیر از امام صادق علیه السلام:

«العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷): شخصی که به زمان خویش آگاه باشد، اشتباهات او را مورد هجوم قرار نمی‌دهد.

این توجه به وضعیت زمانی - مکانی در فقه در سیره ائمه معصومین نیز بروشنی قابل مشاهده است؛ به‌عنوان نمونه روایت معروف از امیرالمؤمنین (ع) در مورد خضاب کردن موی سر که حضرت علی علیه‌السلام درباره حدیثی از رسول خدا (ص) فرموده‌اند:

«انما قال (ص) ذلک و الدین قلُّ فاما الآن فقد اتسع نطاقه و ضرب بجرانه فأمرؤ و ما اختار» (سید رضی، ۱۳۸۵: ۴۴۶، حکمت ۱۷)

حضرت رسول (ص) این حدیث را در وضعیتی فرمودند که دینداران کم بودند؛ اما در این حالت که قلمرو دین گسترش یافته و نظام و حکومتی استقرار یافته است، آن حکم اجرا نمی‌شود و مردم می‌توانند طبق سلیقه خود رفتار کنند.

ب) کل‌گرایی در سطح اجتماع: از دیگر ویژگیهای اجتهاد در نظام فقهی شیعه، که از نتایج ویژگی قبل است، «کل‌گرایی» است. آموزه «کل‌گرایی» در فقه شیعه این مطلب را به ما گوشزد می‌کند که فقیه همواره در موقعیتی از اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی،

فناوری، نظامی - دفاعی و... به اجتهاد می‌پردازد و او باید در نگاهی کل‌گرایانه به این بافت و زمینه توجه، و احکام را صادر کند؛ آن چنانکه امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید:

«زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۸).

در واقع آنچه از فحوای کلام امام (ره) در می‌آید، این است که موضوعات احکام در نظام کل‌گرایانه از روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی - دفاعی و... تکوّن می‌یابد و متعین می‌شود و به عبارت دیگر موضوع در این نظام کل‌گرایانه موضوع است و هرگونه تغییر در این کل، که به تغییر مقومات موضوع منجر شود، جدید خواهد بود که طبعاً نیازمند حکم جدیدی است.

ج) توجه به جهان‌بینی علمی: ویژگی دیگر، که از نتایج دو ویژگی قبل است، توجه به «جهان‌بینی علمی» است. فقها اگرچه نتایج علوم تجربی را ظنی می‌دانند و آن را مفید یقین نمی‌دانند از این دستاورد بشری در حدّ همان دلالت ظنی آن بهره می‌گیرند؛ به عبارت دیگر در «عقل‌ورزی کل‌گرایانه» فقه امامیه، توجه به «جهان‌بینی علمی» نقش بسیار پررنگی دارد؛ زیرا که سرعت تحولات و دگرگونیهای علوم و همچنین گسترش بی‌حد و حصر آن در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف، وضعیت بسیار متفاوتی را برای جهان امروز رقم زده و این امر باعث شده است که از طرفی تعداد زیادی از موضوعات بی‌سابقه و بی‌پیشینه پا به عرصه وجود نهاد و از سوی دیگر این دگرگونیها در «جهان‌بینی علمی»، بسیاری از موضوعات با سابقه را نیز به موضوع جدید و «مستحدثه» مبدل می‌کند (مطهری، ۱۳۴۱).

یک نمونه بارز از تأثیر «جهان‌بینی علمی» در فرایند «اجتهاد» فقهای شیعه، مسئله خرید و فروش خون است که حکم اولیه حرمت بوده است؛ اما با پیشرفتهای دانش پزشکی و تغییر «جهان‌بینی علمی» یکی از صفات باطنی موضوع (خون)، که نداشتن منفعت حلال است، تغییر کرده و طبعاً نیز حکم عوض شده است؛ زیرا که امروزه با تزریق خون، جان بسیاری از انسانها حفظ می‌شود و بدین

ترتیب خون‌دارای بیشترین منفعت حلال خواهد بود (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۷).

د) بهره‌گیری از تمامی منابع شناخت: در مکتب فکری - دینی تشیع به تمامی منابع شناخت - یعنی نقل، عقل، شهود و تجربه - با در نظر گرفتن میزان حکایتگری و چگونگی دلالت این منابع به جهان واقع در نظام کل‌گرایانه توجه می‌شود و «معرفت دینی» و به عبارتی «جهان‌بینی دینی» در این مکتب فکری این‌گونه شکل می‌گیرد. توجه به بهره‌گیری از تمامی منابع شناخت در شیعه باعث شده است که «جهان‌بینی» این مکتب دینی - فکری از ویژگیهای منحصر به فردی برخوردار شود؛ برای نمونه این مکتب با کنار یکدیگر قرار دادن این منابع شناخت و توجه به قلمرو هر یک از آنها «جهان‌بینی» جامع‌تر و کامل‌تری را ارائه می‌کند؛ به گونه‌ای که این مکتب با بهره‌گیری از منبع وحی می‌تواند پاسخ سؤالاتی مانند «زندگی قبل از دنیا»، «چگونگی آفرینش بشر»، «جایگاه انسان در نظام هستی» «زندگی بعد از دنیا» «سنتها و قوانین حاکم بر جهان هستی» و... را بدهد که از دسترس دیگر منابع شناخت خارج است. از طرفی این مکتب، منبع عقل و شهود و تجربه را نیز بر حسب میزان واقع‌نمایی و در قلمرو خودشان گرامی می‌دارد و در نظامی کل‌گرایانه و منسجم سعی می‌کند که با بهره‌گیری از تمامی منابع شناخت (وحی، عقل، شهود، تجربه) به حداکثر شناخت ممکن از جهان هستی دست یابد (مطهری، ۱۳۷۱).

ه) توجه به نوعی اخلاق عقل‌ورزی یا اخلاق فلسفی: عقل‌ورزی در مکتب فقهی شیعه «اجتهاد» نام دارد؛ کلمه «اجتهاد» در لغت از کلمه «جُهد» گرفته شده و معنای آن «بذل الوسع للقیام بعمل ما» یعنی به‌کارگیری تمام ظرفیت انسانی برای کاری است (شهید صدر، ۱۴۱۹ق)؛ اما در اصطلاح فقها به گونه‌ای عقل‌ورزی اشاره دارد که فقیه براساس آن باید تمام تلاش خویش را برای کشف و استخراج احکام شرعی صرف کند به طوری که به «قطع» و یقین برسد که حکم شرعی این موضوع خاص همین است. برای فقها این «قطع»ی که در فرایند «اجتهاد» به دست آمده است «حجّیت» دارد؛ یعنی دارای دو ویژگی «معدّریّت» و «منجّزیّت» است. معنای «معدّریّت» این است که اگر فقیهی تمام تلاش خود را مبذول، و حکمی را استنباط کرد و به قطع رسید که حکم همین است و در عین حال این حکم خلاف نفس‌الامر و حکم الهی بود او در صدور این حکم «معدّریّت» دارد و مورد عقاب الهی قرار نمی‌گیرد و معنای «منجّزیّت» این است که اگر فقیهی در فرایند اجتهاد به حکمی «قطع» پیدا کرد و آن حکم مطابق حکم الهی باشد، این اجتهاد فقیه «منجّزیّت» یعنی تکلیف‌آوری دارد و در صورتی که فقیه خلاف این حکم را - که خودش به قطع

رسیده - صادر کند، مستوجب عقاب الهی خواهد بود (شهید صدر، ۱۴۱۹ق).

بنابراین ما در فرایند «اجتهاد» با سازوکاری که دارد به وضوح نوعی «اخلاق عقل‌ورزی» یا «اخلاق فلسفی» را مشاهده می‌کنیم که توصیه‌هایی در مورد چگونگی رسیدن به حکم شرعی را برای فقها به همراه دارد و توجه آنان را به زمانمندبودن و تاریخی‌بودن بسیاری از احکام جلب، و همواره فقها را به رصد دگرگونی‌های تاریخی - اجتماعی توصیه می‌کند تا در مواقع لزوم احکام شرعی، متناسب با آن تغییر کند.

و) پرداختن به حجیت به جای کشف واقع: از دیگر ویژگی‌های روش اجتهاد در فقه امامیه، که با ویژگی قبل ربط استواری دارد، پرداختن به «ملاک حجیت به جای کشف واقع» است؛ در واقع فقهای شیعه در فرایند اجتهاد تمام تلاششان را مبذول می‌کنند که به حکم واقعی دست یابند ولی هیچ‌گاه نمی‌توان صددرصد مطمئن بود که آنها به حکم الهی در نفس الامر دست یافته‌اند؛ بلکه آنها به حجت‌هایی دست یافته‌اند که ایشان را به «قطع» رسانده است و در مورد نفس الامر و واقع حکم شرعی هر موضوع خاص، ادعایی ندارند؛ به عبارت دیگر متعلق «قطع» آنها، شخصی و روانشناختی است که ضرورتاً با نفس الامر و واقع حکم شرعی یکی نیست؛ البته لازم به تذکر است که نباید این ویژگی را به عنوان نقطه ضعف فرایند اجتهاد در فقه امامیه برشمرد؛ بلکه این ویژگی باعث می‌شود که فقه امامیه از پویایی ویژه‌ای در رویارویی با مسائل مستحدثه برخوردار، و باب انسداد در این مکتب بکلی بسته شود (محمدی، ۱۳۶۹: ۱۷).

ز) داشتن رویکردی انتقادی: در مکتب فقهی شیعه حضور یک رویکرد نقاد و نگرش انتقادی کاملاً محسوس است و این ویژگی باعث شده است که این مکتب پویایی خاصی در برخورد با «مسائل مستحدثه» از خود نشان دهد و در مقابل تغییرات و دگرگونی‌های زمانه منفعل نباشد. در مکتب فقهی شیعه نگاه نقادانه به مباحثی چون علوم و فناوری جدید وجود دارد و از نفی کلی و یا پذیرش کلی این مقولات پرهیز می‌شود. در واقع مکتب فقهی شیعه سعی دارد با رویکردی نقادانه و ارائه الگویی تهذیبی این پیشرفتهای علمی - فناوری را مدیریت، و احکام را به گونه‌ای صادر کند که رفتار مکلفان در برخورد با این پیشرفتها در جهت سعادت دنیوی و اخروی ایشان سامان یابد؛ لذا از این‌رو همواره به فقها توصیه می‌شود که باید آنان به مباحث علمی - فناوری آشنایی کافی داشته باشند (مطهری، ۱۳۴۱).

ح) ارائه یک برنامه جامع زندگی: از دیگر ویژگی‌های اجتهاد بایسته در مکتب فقهی شیعه، ارائه

یک برنامه جامع زندگی برای انسان است؛ به گونه‌ای که شهید صدر می‌نویسد:
 «ان الحكم الشرعی هو التشريع الصادر من الله لتنظيم حياة الانسان سواء كان متعلقاً بأفعاله أو بذاته أو بأشیاء أخرى داخله فی حیاة» (شهید صدر، ۱۴۱۹ق)

همانا حکم شرعی همان قانونی است که از جانب خداوند به جهت مدیریت حیات انسانی صادر شده است؛ خواه [این قوانین] مربوط به افعال انسان یا خود انسان و یا اشیای دیگری باشد که در حیات انسانی نقش آفرین است.

در واقع احکام شرعی مترصد مدیریت زندگی بشر در چارچوبی دینی به جهت رساندن انسان به سعادت دنیوی و اخروی است و برای این منظور باید برنامه‌ای جامع ارائه کند که تمام نیازهای فردی - اجتماعی آدمی را پاسخگو باشد؛ بدین ترتیب پای فقه به عرصه‌های گوناگون و امروری باز می‌شود و فقه باید نسبت به مسائلی چون بحرانهای محیط زیستی، مدیریت شهر و ترافیک آن، مسائل نظامی - امنیتی و... موضع بگیرد و مکلفان خود را در وادی حیرت و بلا تکلیفی رها نکند.

۳. تناظر و بررسی تطبیقی روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد

در دو بخش پیشین برخی از الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی برشمرده، و از سوی دیگر، برخی ویژگیهای نسبتاً متناظر در روش‌شناسی اجتهاد فقه امامیه ارائه شد. جدول ذیل نوعی تناظر یک به یک بین این دو روش‌شناسی برقرار می‌کند:

جدول ۶: تناظر یک به یک الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی و ویژگیهای متناظر روش‌شناسی اجتهاد

ویژگیهای متناظر روش‌شناسی اجتهاد	الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی
_____	نیاز به سیالیت و انعطاف در روش
بهره‌گیری حداکثری اجتهاد از تمامی منابع شناخت	نیاز به استفاده از چند روش و هر منبع معرفتی قابل اتکا و در دسترس
کل‌گرایی اجتهاد در سطح اجتماع	نیاز به کل‌گرایی (به جای کاهش‌گرایی)
اکتفا به حجیت به‌جای کشف واقع	نیاز به بررسی ذهنیت به‌جای عینیت (اثبات یا ابطال حدسیات)
توجه به وضعیت تاریخی - اجتماعی در اجتهاد فقه امامیه	نیاز به توجه به موقعیت تاریخی و مطالعات روندی گذشته و حال
داشتن رویکردی انتقادی در اجتهاد فقه امامیه	نیازمند رویکردی انتقادی نسبت به گزاره‌های پذیرفته‌شده ذهنی
توجه اجتهاد به اخلاق عقل‌ورزی یا اخلاق فلسفی	نسبت استوار با اخلاق
ارائه برنامه جامع زندگی (اجتهاد به تجویز منجر می‌شود).	نیاز به تجویز و اقدام عملیاتی
توجه به جهان‌بینی علمی	نیاز به گروه‌های بین‌رشته‌ای و کارشناسان متخصص هر حوزه علمی در پژوهش

در توضیح جدول نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. در موضوع سیالیت و انعطاف روشها (که یکی از نیازهای آینده پژوهی به عنوان هنر است) در روش اجتهاد مابه‌ازایی دیده نمی‌شود. برعکس، روش اجتهاد از استحکام روشی برخوردار است و اصول و چارچوب مشخص دارد. این موضوع یکی از نقاط اصلی تمایز روش‌شناسی بین اجتهاد و آینده‌پژوهی است.
۲. آینده‌پژوهی و اجتهاد، هر دو نیازمند استفاده حداکثری از منابع معرفت و شناخت است. در واقع در هر دو روش باید به تمامی منابع ممکن (با استفاده از تمامی روشهای مقدور) دست یازید تا اتکای نتیجه بیشتر و بیشتر باشد.
۳. هر دو حوزه، نیازمند کل‌گرایی است؛ چراکه باید موقعیت‌های مختلف و تمام عوامل مؤثر بر موضوع مورد بررسی (یا مسئله) شناسایی، و تأثیرات آنها بررسی شود.
۴. هر دو حوزه نیازمند توجه به وضعیت تاریخی اجتماعی است. در واقع بسترهای تاریخی اجتماعی در اجتهاد (که باید با نگاه روندمحور مورد بررسی قرار گیرد) کاملاً مشابه مطالعات روندمحور در آینده‌پژوهی است.
۵. رویکرد انتقادی در اجتهاد و آینده‌پژوهی نیز مشترک است. هر چند موضوع رویکرد انتقادی و لایه‌های آن (لایه پارادایمی، لایه روش‌شناسی، لایه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی) بحث بسیار مفصل‌تری می‌طلبد که از حوصله این پژوهش خارج است.
۶. در آینده‌پژوهی و در اجتهاد توجه به اخلاق در روش بسیار جدی است. تقریباً تمامی کتابهای آینده‌پژوهی بر اهمیت اخلاق تأکید دارد و آینده‌پژوهی رالبه تیغ تیزی می‌داند که تنها به دلیل اخلاق می‌توان از کارکرد مثبت آن مطمئن بود.
۷. رویکرد تجویزی و هنجاری در آینده‌پژوهی (که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد) در اجتهاد نیز نمود کامل دارد با این تفاوت که در تجویز اجتهاد شاهد تلاش برای ارائه برنامه‌ای جامع برای زندگی (ساخت آینده) هستیم در حالی که در آینده‌پژوهی (به دلیل امکان نداشتن نگاه جامع) عمدتاً با نگاه مصداقی به تجویز می‌پردازند.
۸. آخرین ویژگی مشترک نیز توجه هر دو حوزه به جهان‌بینی علمی و گروه‌های بین‌رشته‌ای است. در واقع هر دو حوزه در شناخت مسئله و منابع محتوایی و تحلیل محتوا، نیازمند رویکرد بین‌رشته‌ای است.

درآمدی بر آینده پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه / ۱۰۷

همان‌گونه که دیده می‌شود، بخش عمده‌ای از نیازها و الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی و ویژگیهای روش‌شناسی اجتهاد متناظر است و نوع ویژه‌ای از قرابت روش‌شناسی بین هر دو حوزه احساس می‌شود. به‌منظور مقایسه قدرت پاسخگویی اجتهاد در مقابل پارادایمهای مرسوم روش‌شناسی، جدول پیشین بار دیگر (با اضافه شدن اجتهاد) ارائه می‌شود:

جدول ۷: توانایی پارادایمهای مرسوم و اجتهاد برای احاطه روش‌شناسی بر ویژگیهای آینده‌پژوهی

ویژگی	عینی‌گرا	ذهنی‌گرا	انتقادی	روش‌شناسی اجتهاد
نیاز به سیالیت و انعطاف در روش	ناتوان	توانا	توانا	عدم انعطاف
نیاز به استفاده از چند روش و هر منبع معرفتی قابل اتکا و در دسترس	ناتوان	ناتوان	ناتوان	توانا
نیاز به کل‌گرایی (به‌جای کاهش‌گرایی)	توانا	ناتوان	توانا	توانا
نیاز به بررسی ذهنیت به‌جای عینیت (اثبات یا ابطال حدسیات)	ناتوان	توانا	توانا	توانا
نیاز به توجه به موقعیت تاریخی و مطالعات روندی گذشته و حال	توانا	توانا	توانا	توانا
نیازمند رویکردی انتقادی نسبت به گزاره‌های پذیرفته‌شده ذهنی	ناتوان	ناتوان	توانا	توانا
نسبت استوار با اخلاق	ناتوان	توانا	توانا	توانا
نیاز به تجویز و اقدام عملیاتی	ناتوان	ناتوان	توانا	توانا
نیاز به گروه‌های بین رشته‌ای و کارشناسان متخصص هر حوزه علمی در پژوهش	ناتوان	ناتوان	ناتوان	توانا

بنابراین در حالی که تاکنون هیچ‌یک از پارادایمهای روش‌شناسی موجود غربی نتوانسته است به‌طور کامل الزامات مورد نیاز روش‌شناسی در آینده‌پژوهی را پوشش دهد، این قرابت روش‌شناسی حداکثری بین اجتهاد و آینده‌پژوهی پیش از این در روش‌شناسی علوم اجتماعی سابقه ندارد و حتی از قرابت روش‌شناسی آینده‌پژوهی با هر یک از پارادایمهای موجود غربی نیز بیشتر باشد.

تا بدین جا نشان داده شد که مبانی آینده‌پژوهی و اجتهاد، قرابت‌های روش‌شناسی جدی دارد. به‌منظور فهم بهتر این قرابتها، می‌توان از یک مثال مشترک بین آینده‌پژوهی و اجتهاد استفاده کرد. در واقع موضوعی که نیازمند ارائه حکم فقهی است ولی در آینده متعین می‌شود و به آینده‌پژوهی نیز نیاز دارد. به‌طور کلی در اجتهاد، احکام به مصالح و مفاسد عینی معطوف است که این عینیت می‌تواند در حال یا آینده رخ دهد. اجتهاد در این موضوعات دو ویژگی دارد:

- آینده‌نگری در موضوع؛ چرا که باید موضوع را در بستر زمان مشاهده کرد و یکی از افقهای زمانی، آینده است.

- آینده‌نگاری در حکم؛ چرا که اساساً دستگاه تجویزی فقه پس از مشاهده یک موضوع در افق آینده سعی دارد به صورت فعالانه و بازیگر به رویارویی بایسته با مسئله بپردازد و این مسئله را به سمت جایگاه بایسته‌اش در مسیر تحول و با فرایند تدریجی جانمایی کند.

از جمله این موضوعات مسئله «پول و ارز مجازی» است که به حوزه مکاسب (کتاب البیع) در فقه مربوط می‌شود. پول مجازی (که عموماً آن را با نام بیت کوین می‌شناسند) نظام جدید پولی مبتنی بر بلاکچین است که بدون نیاز به پشتوانه طلا ایجاد شده، اعتبار یافته است و در مناسبات اقتصادی امروز استفاده می‌شود. حال اینکه در چهارده قرن اخیر پس از اسلام، هیچ‌گاه موضوع پولی که هیچ پشتوانه اعتباری نداشته باشد و اعتبار آن صرفاً بر الگوریتمهای فنی مبتنی باشد، مطرح نمی‌شده و از این حیث مسئله‌ای مستحدثه و کاملاً جدید است. امروزه بحث بر سر احکام فقهی استفاده از پول مجازی بسیار جدی است و در بسیاری از محافل تخصصی به‌عنوان یکی از موضوعات داغ اقتصادی و فقهی بررسی می‌شود.

- اگر مجتهدی بخواهد درباره مسئله پول مجازی در زمان حاضر حکمی صادر کند، لاجرم نیازمند شناخت کامل موضوع است و شناخت این موضوع نیز (به دلیل اینکه هنوز به‌طور کامل تکوین نشده) نیازمند آینده‌پژوهی و کشف آینده موضوع است. در واقع بدون شناخت آینده کامل شده پول مجازی و تأثیرات آن بر نظام اقتصادی نمی‌توان درباره وضعیت (موضوع شناسی) و رویارویی بایسته با آن (حکم شناسی) نظر صائبی را ابراز کرد.

- از سوی دیگر در استخراج احکام فقهی، قواعد فقهی‌ای وجود دارد که به نوعی فعالانه با مسائل رویارویی می‌کند؛ از جمله قاعده «نفی سبیل» که به نفی هر گونه سلطه کفار بر مسلمین چه حال و چه در آینده حکم می‌کند؛ چرا که در موضوع پول مجازی، ما بخشی از نظام جهانی هستیم و در ساختار اقتصاد بین‌الملل (فارغ از تصمیم امروز ما درباره مسئله) در پول مجازی سرمایه‌گذاری، و آینده دلخواه خودشان را ایجاد می‌کنند و بناچار در آینده به شکل جدی‌تری درگیر این موضوع خواهیم بود؛ لذا مجتهد می‌تواند بر اساس قاعده نفی سبیل و آینده‌نگری، حکم خود را معطوف به ارائه الگویی بومی در حوزه پول مجازی (پول مجازی بومی) ارائه کند که کاملاً از جنس آینده‌نگاری است و زمینه سلطه نظام غرب سکولار را بر ما در آینده برطرف سازد.

پس ارائه حکم در زمینه پول مجازی، هم در شناخت موضوع نیازمند آینده‌پژوهی است و هم در ارائه حکم، یک فعالیت آینده‌نگاری به‌شمار می‌رود.

درآمدی بر آینده پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه / ۱۰۹

حال با توجه به آنچه در پیش بیان شد به دلیل قرابت روش‌شناسی اجتهاد و آینده‌پژوهی در این موضوع می‌توان از روشهای آینده‌پژوهی برای کشف موضوع استفاده کرد بدون اینکه لطمه‌ای به فرایند اجتهاد وارد آید و در واقع روش‌شناسی اجتهاد براحتی پذیرای الزامات روشهای آینده‌پژوهی است و از آینده‌پژوهی استفاده می‌کند. خلاصه این الزامات در مثال پول مجازی در جدول ذیل مشاهده می‌شود:

جدول ۸: بررسی مثال «پول مجازی» بر اساس ویژگیهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد

اشتراکات روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد	بررسی در مثال «پول مجازی»
بهره‌گیری حداکثری از تمام منابع شناخت	آینده‌پژوه در موضوع پول مجازی، باید از تمام منابع و روشهای شناخت (مانند تحلیل فناوریهای راهبردی، تحلیل روند و...) در دسترس حداکثر استفاده را بکند. به دلیل قرابت روش‌شناسی بین دو حوزه، این استفاده از روشها و منابع گوناگون کاملاً در اجتهاد پذیرفته شده است و خللی در فرایند اجتهاد ایجاد نخواهد کرد.
کل‌گرایی	برای شناخت آینده پول مجازی و استخراج حکم، باید به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فناوری، سیاسی و... آن توجه کرد که در آینده‌پژوهی و اجتهاد زمینه این کل‌گرایی وجود دارد.
اکتفا به حجیت به جای کشف واقع (ذهنیت در برابر عینیت)	از آنجا که موضوع از جنس آینده است، هیچ‌یک از نتایج آینده‌پژوهی (شناخت موضوع) امروز متعین نشده است و نتایج آینده‌پژوهی صرفاً می‌تواند معرفت جایگزین از واقع باشد. از آنجا که در اجتهاد نیز به جای کشف واقع می‌توان به حجیت اکتفا کرد، این ویژگی آینده‌پژوهی پذیرفته می‌شود و از اعتبار نتایج و کاربرد پذیری آنها نمی‌کاهد.
توجه به موقعیت تاریخی و مطالعات روندی گذشته و حال	در بررسی موضوع پول مجازی باید روندهای پیشین موضوع مطالعه، و در نتیجه آن زمینه برای شناخت آینده روندها مشخص شود. این امر همان چیزی است که در اجتهاد به نام «توجه به موقعیت تاریخی» شناخته می‌شود.
رویکردی انتقادی	به دلیل جدید بودن موضوع پول مجازی، پرداختن به آن نیازمند رویکرد انتقادی به بسیاری از انگاره‌های پذیرفته‌شده از جمله لزوم داشتن پشتوانه اعتباری برای پول است.
نسبت وثیق با اخلاق	بدیهی است که پژوهشگر در این حوزه باید تمام جهد و تلاش خویش را به دلیل شناخت موضوع و ارائه حکم در پول مجازی بذل کند تا مشمول قاعده معذرت و منجزیت شود.
تجویز و اقدام عملیاتی	هدف آینده‌پژوهی در حوزه «پول مجازی» ارائه حکم و تجویز برنامه زندگی در حوزه نظام اقتصادی اسلامی است و این همان چیزی است که در اجتهاد در این مسئله به دنبال آن هستیم؛ ارائه حکم و نگاشت آینده.
گروه‌های بین رشته‌ای و کارشناسان متخصص هر حوزه علمی در پژوهش (جهانبینی علمی)	برای شناخت این موضوع نیازمند استفاده از مشاوره متخصصان حوزه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و... هستیم. بنابراین نوعی بین‌رشته‌ای در موضوع در آینده‌پژوهی و اجتهاد دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش، بررسی امکان‌پذیری آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه تطبیقی روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه بود؛ بدین منظور ابتدا ویژگیهای روش‌شناسی هر یک از این دو حوزه و سپس تناظر آنها بررسی گردید. نتایج مهم پژوهش (در پاسخ به پرسش پژوهش) به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. آینده‌پژوهی الزامات و ویژگیهای خاص روش‌شناسی دارد که نه مورد از مهمترین آنها در این پژوهش برشمرده شد. این ویژگیها به تفاوت‌های گوناگون روش‌شناسی آینده‌پژوهی و علوم مرسوم منجر شده است.

۲. پارادایمهای مرسوم روش‌شناسی در علوم اجتماعی، قدرت پاسخگویی به تمام نیازهای روش‌شناسی آینده‌پژوهی را ندارد.

۳. روش‌شناسی اجتهاد (به‌عنوان روش استنباط احکام شرعی در فقه امامیه) می‌تواند بخش زیادی از الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی را پاسخ گوید که این ظرفیت، حتی از پارادایمهای روش‌شناسی غربی نیز بیشتر است.

۴. با توجه به این قدرت روش‌شناسی اجتهاد، می‌توان از آن به‌منظور انسجام‌بخشی به روش‌شناسی آینده‌پژوهی استفاده کرد. در واقع به نظر نگارنده، الگوگیری از روش‌شناسی اجتهاد شاید بتواند آینده‌پژوهی را از سردرگمی‌های روش و روش‌شناسی نجات دهد. این امر مستلزم پژوهش عمیقتر و دقیقتر دیگری است.

۵. سرانجام، آینده‌پژوهی و اجتهاد با یکدیگر قرابت روش‌شناسانه دارد و این قرابت، امکان آینده‌پژوهی اسلامی و آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی را از دید روش‌شناسی تأیید می‌کند. در این حوزه نیاز به مطالعات بیشتر و عمیقتر خواهد بود.

در فرایند پژوهش، پاسخ هر سه پرسش پژوهش در قالب نتیجه‌گیری ارائه شد. در این پژوهش ابتدا الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی ارائه، (پرسش فرعی ۱) و سپس ویژگیهای روش‌شناسی متناظر آن در اجتهاد مشخص شد (پرسش فرعی ۲). در نهایت با مطالعه تطبیقی، نسبت اجتهاد و آینده‌پژوهی از دید روش‌شناسی مورد بحث و بررسی و ارزیابی قرار گرفت (پرسش اصلی پژوهش) که در بخش نتیجه‌گیری به صورت تفصیلی ارائه گردید.

پیشنهادهای ذیل نیز برای پژوهشهای آینده ارائه می‌شود:

- مطالعات ویژه‌ای درباره پارادایمهای حاکم بر آینده‌پژوهی انجام، و نسبت آن با اجتهاد تدقیق شود. (در این مقاله امکان قرابت اجتهاد و آینده‌پژوهی بررسی شد ولی چگونگی آن به مقاله آینده موکول می‌شود).

- بررسی چگونگی استفاده از آینده‌پژوهی اسلامی در نظام مدیریت اسلامی با استفاده از روش‌شناسی مشترک آینده‌پژوهی و اجتهاد

- مطالعه الزامات روش‌شناسی اجتهاد (نه ویژگیهای آن) و بررسی تطبیقی در مقابل آینده‌پژوهی

- مسئله‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی و ایجاد درخت مسائلی که قابل پرداختن در آینده‌پژوهی اسلامی است.

در صورت مطالعه در این حوزه‌ها مسیر برای حرکت به سمت آینده‌پژوهی اسلامی از حیث

روش و روش‌شناسی مشخص خواهد شد.

یادداشتها

۱ - به دلیل رعایت امانت لازم به توضیح است این پانل، یکی از سلسله جلساتی بود که با موضوع «ویژگیهای اجتهاد بایسته و عقل‌ورزی در فقه شیعه» با مدیریت حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی برگزار شد و نتایج آن به صورت مقالات و پژوهشهای دیگری در حوزه مباحث فقهی در حال تدوین است و به دلیل گستردگی موضوع و ادامه‌دار بودن جلسات، انتشار آن قبل از این مقاله ممکن نشد و در آینده منتشر خواهد شد؛ با این حال، پژوهشگر مقاله، تلاش کرد از دید آینده‌پژوهانه از جلسه پانل استفاده کند و بخشی از نتایج را، که قابل ارتباط و استفاده در روش‌شناسی آینده‌پژوهی بود مشخص کند و به کار گیرد.

۲ - این بخش با استفاده از پانل خبرگان (و سپس مطالعات کتابخانه‌ای به منظور توضیح موارد) تدوین شده است و منبع تمامی موارد، ارجاع به آن پانل است. مقاله نهایی نیز به رؤیت و ارزیابی حجج اسلام، دکتر سید علی هاشمی و دکتر میرزایی رسیده است.

منابع فارسی

باقرزاده، مشکى‌باف (۱۳۸۴). عناصر تعیین‌کننده در حل مسائل مستحدثه (۱). نشریه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی). ش ۴۳: ۴۹ تا ۱۰۶.

برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۰). درآمدی بر چگونگی تکوین مکاتب فقهی در شیعه. مقالات و بررسی‌ها. ش ۷۰: ۱۰۷ تا ۱۴۲.

بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده پژوهی. ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق. تهران: مؤسسه آموزشی و

تحقیقاتی صنایع دفاعی.

پدرام، عبدالرحیم؛ جلالی وند، عباس (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی: روش‌شناسی آینده‌پژوهی. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). گذر از حصارهای شیشه‌ای معرفت‌شناسی با تأکید بر الزامات زبان‌شناختی میان رشته‌ای. *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. ش ۱: ۹۱ تا ۱۰۹.

تقوی گیلانی، مهرداد؛ غفرانی، محمد باقر (۱۳۷۹). مطالعات و روش‌های آینده‌شناسی، رهیافت. ش ۲۲: ۶۵ تا ۷۳. امام خمینی، روح الله (۱۴۱۵). *المکاسب المحرمه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام خمینی، روح الله (۱۳۸۲). *استفتانات (امام خمینی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۰). *مبانی اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

سید رضی (۱۳۸۵). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: نشر الهادی.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۹). *دروس فی علم الأصول (حلقه اولی)*. قم: دارالعلم.

عظیمی، سید علی اکبر (۱۳۸۸). بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان‌بینی اسلامی، *انتظار موعود*. ش ۲۹: ۸۳ تا ۱۱۰.

عیوضی، محمد رحیم؛ پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۳). امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی. *مشرق موعود*. ش ۲۹: ۷۹ تا ۱۱۲.

عیوضی، محمد رحیم؛ پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۲). راهبردهای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی. *مطالعات آینده‌پژوهی*. ش ۶: ۸۹ تا ۱۱۰.

عیوضی، محمد رحیم؛ پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۱). گزاره‌هایی در خصوص آینده‌پژوهی اسلامی. *مطالعات آینده‌پژوهی*. ش ۴: ۱۱ تا ۳۸.

فاتح راد، مهدی؛ جلیلود، محمدرضا؛ نصرالهی وسطی، لیلا (۱۳۹۲الف). درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی. *مطالعات آینده‌پژوهی*. ش ۸: ۲۷ تا ۵۲.

فاتح راد، مهدی؛ جلیلود، محمدرضا؛ مولایی، محمد مهدی؛ سمعی، سعید؛ نصرالهی، لیلا (۱۳۹۲ب). مختصات روش‌شناختی فرارشته آینده‌پژوهی بمتابه یک فرآپارادایم یکپارچه. *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. ش ۶: ۱۳۵ تا ۱۶۱.

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵). کارایی و اثربخشی در مطالعات تطبیقی ادیان. *پژوهش و حوزه*. ش ۲۶: ۳۱ تا ۴۷.

- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۶). فرآیند عملیاتی مطالعات تطبیقی. روزنامه رسالت. ش ۶۲۶۹.
- گلن، جروم سی؛ گوردون، تئودور جی (۱۳۹۳). دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- لطیفی، محمد حسین (۱۳۸۷). روش‌شناسی آینده‌نگاری. رویدادها و تحلیلها. ش ۲۲۳: ۲۴ تا ۳۷.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی، علی (۱۳۶۹). شرح اصول فقه مظفر. قم: دارالفکر.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی و دین. فرهنگ اسلامی. ش ۵: ۱۹۳ تا ۲۱۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۱). ده گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). مسئله شناخت. تهران: صدرا.
- مرحمتی، علی (۱۳۹۲). ارائه چارچوبی برای آینده‌پژوهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده صنایع دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی.
- منزوی، مسعود (۱۳۹۰). معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

منابع انگلیسی

- Aligica, P.D. (2003). Prediction, explanation and the epistemology of future studies, **futures** 35:10, pp 1027- 1040
- Hempel, C. G. (1963). Explanation and prediction by covering laws'. In Philosophy of science: **The Delaware seminar**, New York: John Wiley and Sons. Vol 1, pp 33-107
- Roy Arma, (1991). Views on futures research methodology, **futures**, 23:6. Pp645-649
- Tamas Gaspar , Erzebet Novaky, (2002), Dilemmas for renewal of futures methodology, **futures** 34(5), pp 465-379
- Ted Fuller and Krista Loogma(2007), Constructing futures: a social constructionist perspective on foresight methodology, **futures** 41(2), pp 71-79

